info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام

شماره ۲۶۰۱

سه‌شنبه / ۲۰ شهریور / ۱۴۰۳

۶ / ربیع الاول / ۱۴۴۶

10 / September / 2024

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۲۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۲۴۴-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۴۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۱۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

هر کس که دید روی تو بوسید چشم من
کاری که کرد دیده من بی نظر نکرد
من ایستاده تا کُنَمش جان فدا چو شمع
او خود گذر به ما چو نسیمِ سحر نکرد

بی‌خانمان که هیچ ندارد به جز خدای
او را گدا مگوی که سلطان گدای اوست

سعدی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۱۹	۰۵:۴۵	۱۲:۰۳	۱۸:۱۸	۱۸:۳۷

زندگی کشف خود نیست، ساختن خود است...

جرج برنارد شاو

برش

نیازی به بزرگ‌نمایی نیست؛ آمارها از پیشرفت ورزش بانوان می گوید

برای بیان پیشرفت‌های ورزش بانوان در کشورمان نیازی به بزرگ‌نمایی نیست و آمار مدال‌آوری بانوان ورزشکار در میدان‌های بزرگی همچون المپیک، پارالمپیک و بازی‌های آسیایی و پارآسیایی گواهی بر این مدعاست.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایمنا، به اعتقاد کارشناسان، انقلاب شکوهمند اسلامی مبدایی برای ورزش بانوان محسوب می‌شود و افزایش آمار حضور ورزشکاران بانوان ایرانی و روند صعودی مدال‌آوری آن‌ها در رویدادهای جهانی و المپیک و آسیایی در چشم دنیا به نمایش گذاشته شده است.

مدال‌آوری بانوان ورزشکار ایرانی در میادین بین‌المللی که با حفظ شئونات اسلامی صورت می‌گیرد، معرف فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی است و بانوان ایرانی با به اهتزاز درآوردن پرچم سه رنگ کشورمان در دنیا به نمادی از باور «خواستن و توانستن» تبدیل شده‌اند.

در گذشته ورزش کالایی لوکس به شمار می‌رفت که تنها برای عده خاصی از افراد جامعه در دسترس بود، اما با وقوع انقلاب و دیدگاه مثبت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی نسبت به ورزش و سالم شدن محیط‌های ورزشی، به مرور ورزش به عمق جامعه ایرانی راه پیدا کرد و خانواده‌ها علاقه‌مند به حضور دخترانشان در عرصه ورزش شدند که موفقیت‌های به دست آمده در این عرصه را می‌توان نتیجه همه‌گیر شدن ورزش و فراهم‌شدن بستر فعالیت برای تمام اقشار بانوان عنوان کرد.

از آنجایی که موفقیت در رویدادهای بین‌المللی، مقیاسی برای سنجش موفقیت ورزش بانوان در چهار دهه گذشته محسوب می‌شود، مروری بر موفقیت بانوان ورزشکار در عرصه بین‌المللی خواهیم داشت تا بر این گزاره تاکید کنیم که برای بیان پیشرفت‌های ورزش در این عرصه نیازی به بزرگ‌نمایی نیست و آمارها در این باره سخن می‌گویند.

المپیک بزرگ‌ترین رویداد ورزشی دنیا به شمار می‌آید و حضور در آن با توجه به اینکه جمع محدودی از بهترین‌های ورزش دنیا در این رقابت‌ها شرکت می‌کنند از اهمیت بالایی برخوردار است. نخستین حضور بانوان ایرانی در المپیک به سال ۱۹۶۴ بازمی‌گردد، اما بعدها قوانین دشواری برای راه‌یابی به این فستیوال ورزشی در نظر گرفته شد. در المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا لیدا فریمان در رشته تیراندازی با تفنگ با سهمیه اعطایی کمیته بین‌المللی المپیک در این مسابقات شرکت کرد.

فریمان با نظر مسئولان وقت ورزشی کشور پرچم‌داری کاروان ایران را برعهده داشت و با مانتوی بلند سفید رنگ و با پوشش کامل پیشاپیش کاروان کشورمان حرکت می‌کرد که این موضوع، شگفتی مراسم رژه ورزشکاران حاضر در آتلانتا معرفی و به سوژه خبری رسانه‌ها تبدیل شد. فریمان در بحث عملکردی نتیجه خاصی کسب نکرد، اما حضور او علاوه بر ماندگاری در تاریخ ورزش ایران، راهگشای دیگر بانوان ایرانی شد که با پوشش اسلامی در میدان بزرگ المپیک به مصاف رقیبان بروند.

در المپیک‌های سیدنی و آتن نیز یک بانوی ورزشکار در کاروان ایران حضور داشت، اما از المپیک ۲۰۰۸ پکن روزنه جدیدی در ورزش بانوان ایران گشوده شد و در این دوره سه بانوی ایرانی راهی پکن شدند که این بار نیز پرچم‌داری به یک بانوی ورزشکار سپرده شده بود.

در ادوار بعدی المپیک تعداد بانوان ورزشکار افزایش پیدا کرد، تا جایی که در المپیک پاریس ۱۱ بانوی ایرانی مراحل دشوار کسب جواز شرکت در بزرگ‌ترین فستیوال ورزشی دنیا را طی کردند. اما نقطه عطف ورزش بانوان کشورمان فراتر از افزایش تصاعدی المپین‌های بانوست و کسب یک مدال برنز در المپیک ریو که با یک نقره و یک برنز دیگر در المپیک پاریس تکامل پیدا کرد، بیانگر واقعیت توجه به ورزش بانوان و سرمایه‌گذاری در این زمینه همپای ورزش مردان به‌ویژه در دو دهه اخیر است.

در رویداد پارالمپیک نیز روال صعودی ورزش بانوان نمود ویژه‌ای داشته و بانوان ورزشکار توان‌خواه که تا پیش از انقلاب اسلامی، جایگاهی در ورزش کشور نداشتند امروز به جایگاهی رسیده‌اند که ساره جوانمردی رکورد سه طلای متوالی در سه پارالمپیک را ثبت می‌کند که حتی در ورزش دنیا هم یک رکورد ویژه به شمار می‌آید.

المپیک آسیایی در درجه دوم اهمیت رویدادهای ورزشی برای کشورمان قلمداد می‌شود و افزایش آمار حضور ورزشکاران بانوی ایرانی و روند صعودی مدال‌آوری آن‌ها نموداری از پیشرفت ورزش بانوان را به نمایش گذاشته است.

روند حضور بانوان ورزشکار ایرانی در بازی‌های آسیایی به سال ۱۹۹۰ در پکن بازمی‌گردد، اما فصل جدید مدال‌آوری در این رقابت‌ها از بازی‌های آسیایی ۲۰۰۲ بوسان کره با یک مدال برنز انفرادی و یک نقره تیمی شروع شد و با قدرت ادامه پیدا کرد تا جایی که در بازی‌های آسیایی جاکارتا، ۹۷ ورزشکار بانو در رشته‌های انفرادی و تیمی در کاروان اعزامی کشورمان حضور داشتند.

به موازات افزایش اعزام بانوان ورزشکار به المپیک آسیایی، روند مدال‌آوری نیز چشمگیر بود که کسب چندین مدال طلا در رشته‌های انفرادی و قهرمانی تیم کبدی بانوان از جمله شاخص‌ترین آن‌هاست.

البته ورزش بانوان را نباید تنها در مدال‌آوری‌های ورزشکاران خلاصه کرد و برگزاری لیگ‌های حرفه‌ای مقیاس دیگری از رشد و توسعه در این عرصه محسوب می‌شود، همچنان که در حال حاضر در بیشتر رشته‌های ورزشی، لیگ متمرکز یا غیرمتمرکز برگزار می‌شود که چرخش مالی قابل توجهی داشته و منبع درآمدی برای بخشی از بانوان جامعه به شمار می‌آید.

دعوت به همکاری با بانوان ورزشکار ایرانی از سوی تیم‌های خارجی و لژیونر شدن در لیگ‌های معتبر دنیا که با قبول شرط بازی با پوشش اسلامی بوده، جنبه دیگری از قدرت‌نمایی ایران دخت‌های ورزشکار است که نمودار پیشرفت ورزش بانوان را صعودی ترسیم می‌کند.

مهری منصور

گزارش روز

همچنان در بیراهه

بلافاصله بعد از آنکه «وال استریت ژورنال» روز جمعه گذشته مدعی شد ایران موشک‌های بالستیک به روسیه ارسال کرده است، سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا بدون آنکه مدرکی در تأیید این حرف به دستش رسیده باشد، این ادعا را تکرار کرده و گفت که هر گونه انتقال این سلاح‌ها به روسیه نشان‌دهنده تشدید چشمگیر حمایت جمهوری اسلامی از مسکو در جنگ علیه اوکراین است. اینچنین است که مقام‌های ایالات متحده به جای بررسی صحت و سقم واقعیات، ادعای یک گزارش را به مثابه یک موضع دیپلماتیک مطرح می‌کنند و در ادامه سعی بر دامن زدن به روند پرونده‌سازی امنیتی در روند ضدیت با جمهوری اسلامی در بستر یک جنگ تمام عیار روانی دارند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، محافل رسانه‌ای غرب که در یک الی دو سال گذشته موضوع همکاری پهپادی ایران و روسیه را به مبنایی برای یکی از سناریوهای امنیتی علیه ایران تبدیل کرده بودند، شولای خود برای بحران‌سازی دوباره را با تمسک به تاکتیک‌های تکراری بر شانه انداخته‌اند. مؤید ارزیابی از این جریان‌سازی امنیتی که تصور دارد می‌تواند بی‌نیاز از ارائه ادله و مدارک لازم نسبت به ایران جلب توجه کند و در عین حال در پس ادعاهای نامستدل و تکراری همچون «ارسال پهپاد به روسیه برای کمک به آن در جنگ اوکراین» برای توجیه شکست امریکا و شرکای اروپایی‌اش در این جنگ ویرانگر راه فراری بگذارد، ادعای جدید رسانه امریکایی «وال استریت ژورنال» است. ادعای این رسانه امریکایی که در مواضع مقام‌های دیپلماتیک این کشور به نحو گسترده‌ای بازتاب داده می‌شود گزاره‌ای واهی را مطرح کرده که چیزی جز بازتولید تاکتیک‌های تکراری و متعارض در قبال جمهوری اسلامی نیست. این چنین است که بلافاصله بعد از آنکه «وال استریت ژورنال» روز جمعه گذشته مدعی شد ایران موشک‌های بالستیک به روسیه ارسال کرده است، سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا بدون آنکه مدرکی در تأیید این حرف به دستش رسیده باشد، این ادعا را تکرار کرد و گفت که هر گونه انتقال این سلاح‌ها به روسیه نشان‌دهنده تشدید چشمگیر حمایت جمهوری اسلامی از مسکو در جنگ علیه اوکراین است. اینچنین است که مقام‌های ایالات متحده به جای بررسی صحت و سقم واقعیات، ادعای یک گزارش را به مثابه یک موضع دیپلماتیک مطرح می‌کنند و در ادامه سعی بر دامن زدن به روند پرونده‌سازی امنیتی در روند ضدیت با جمهوری اسلامی در بستر یک جنگ تمام عیار روانی دارند.

چهره عریان واقعیت

ادعای جدید ارسال موشک بالستیک از سوی ایران به روسیه را اگر چه باید در ادامه امنیتی‌سازی ایران و مبتنی بر تاکتیک فرار به جلوی غرب ارزیابی کرد اما نمی‌توان به سادگی یادآوری برخی واقعیات تأییدکننده دیگر را ناگفته باقی گذاشت. برجسته کردن موضوع همکاری نظامی ایران و روسیه از منظر نسبت دادن آن به جنگ اوکراین در سال‌های اخیر تلاشی است که در فراموشی واقعیت‌های غیر قابل انکاری همچون دست و پنجه نرم کردن واشنگتن و پایتخت‌های اروپایی از تبعات جنگ‌افروزی در اوکراین و خاورمیانه مطرح می‌شود. بخش واقعی تحولات مرتبط به کشورهای غربی آنجاست که این کشورها از یک سو به بازنده بی‌بدیل زورآزمایی روسیه و ناتو تبدیل و از سوی دیگر با کاهش نفوذ و اثرگذاری خود بر روندهای منطقه‌ای پس از طوفان الاقصی روبه‌رو شده‌اند.

بی‌اعتراف به این واقعیت که کاهش نفوذ و متقبل شدن هزینه‌های مادی و انسانی در زمین جنگ غرب آسیا بیش از آنکه معطوف به محاسبات اشتباه این بازیگران غربی باشد نتیجه قطعی افزوده شدن بر قدرت منطقه‌ای ایرانی است که پیشتر برای آن نقش چندان مهمی در صحنه تحولات قائل نبودند.

تشدید نگرانی غرب

افزایش نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی در حالی است که به تدریج بر حجم نگرانی کشورهای غربی به ابعاد تصمیم‌گیری تهران برای پاسخ به اقدامات تروریستی تل‌آویو افزوده می‌شود. چنانکه بواسطه رصد همه تحولات جاری و به جریان انداختن فرآیندهای دیپلماتیک شتاب‌زده، سعی دارند تا از گسترش دامنه در حمله احتمالی ایران بکاهند؛ امری که تا اینجا جز گشوده نگه داشتن پرونده‌های مهم بحرانی همچون جنگ غزه و خاورمیانه حاصلی نداشته است همچنان که نداشتن برنامه‌ای در قبال ایران جز تعلل در مذاکرات رفع تحریم‌ها و قرار دادن پرونده‌های امنیتی ساختگی همچون همکاری نظامی ایران و روسیه به عنوان تنها راه حل دولت «جو بایدن» در امریکا برای فرار از سیاست نافرجامش در قبال ایران نتیجه‌ای نداشته است. اوج ضعف این سیاست، نادیده گرفتن روندی بود که تهران برای دوام آوردن در برابر سیاست تحریمی نشان داد و بر همین اساس زمینه فرو رفتن ایالات متحده در باتلاق تصمیمات ناپیدا را فراهم کرد. این همه در حالی است که فضای غالب در تصمیم‌گیری غرب در قبال ایران بویژه پس از آغاز به کار دولت چهاردهم به ریاست مسعود پزشکیان با پدیده ترس و گام برداشتن در وادی آزمون شکست خورده پرونده‌سازی و اجتناب در میدان مذاکره برابر همراه شده است.

این در حالی است که کشورهای منطقه در خاورمیانه و آسیا مناسبات خود را در همسویی با رویکرد منطقه‌ای ایران تعریف کرده‌اند و به نظر می‌رسد در رودربایستی غرب از این همراهی قرار نگرفته‌اند. بنابراین رفتاری که کشورهای غربی در قبال ایران در ماه‌های اخیر در پیش گرفته‌اند، متناسب با رویکردی که دولت چهاردهم اعلام کرده نمی‌تواند مبنایی برای همراهی در محیط پیرامونی کشور داشته باشد. چه آنکه پزشکیان در تبیین سیاست خارجی خود از سیاست فرصت‌گرا و نمایی کرده است که با عبور از رویکرد تک گزینه‌ای، تعادل را به ارتباط با تمام کشورها بازمی‌گرداند؛ ضمن اینکه همچنان همسایگان و کشورهای منطقه‌ای را از چین و روسیه گرفته تا کشورهای عربی خاورمیانه مقدم می‌داند. در این میان، آنگونه که رئیس جمهور جدید در رویکرد اعلامی خود مورد توجه قرار داده، رابطه با اروپا و امریکا مسیری پرفراز و نشیب است که می‌تواند هموارتر از امروز باشد به شرط آنکه این کشورها از آزمون‌های نافرجام خود در قرار دادن ایران در سیل پرونده‌های ساختگی از موضوع هسته‌ای گرفته تا روند همکاری نظامی آن با متحدانش درس آموخته باشند.

واکنش نمایندگی ایران در سازمان ملل به ادعای ارسال موشک بالستیک به روسیه
کمک نظامی به طرفین درگیر جنگ را غیرانسانی می‌دانیم

ادعای واهی واشنگتن علیه ایران از سوی نمایندگی دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل پاسخ گرفت. دفتر ایران در نیویورک در پاسخ به پرسش شبکه خبری سی‌ان‌ان درباره ادعاهای مطرح‌شده از سوی وال استریت ژورنال و مقام دیپلماتیک امریکا مبنی بر ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه توسط ایران اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران ارسال کمک نظامی به طرفین درگیر که موجب گسترش خسارات انسانی و زیرساخت‌ها و همچنین دور شدن از گفت‌وگوهای آتش‌بس می‌شود را امری غیرانسانی می‌داند. بنابراین، نه تنها خود چنین اقدامی نمی‌کند بلکه کشورهای دیگر را نیز به توقف ارسال سلاح به طرفین درگیر در منازعه دعوت می‌کند.

دفتر نمایندگی ایران همچنین تأکید کرد که موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال منازعه اوکراین هیچ تغییری نکرده است. واکنش به ادعای محافل امریکایی در حالی بود که وزارت خارجه اوکراین با انتشار بیانیه‌ای این ادعا را به محملی برای ابراز نگرانی تبدیل کرد و در موضعی ادعایی از تهران خواست از این اقدام خودداری کند. وزارت خارجه اوکراین همچنین در بیانیه خود از جامعه جهانی خواست تا فشار بر تهران و مسکو را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی افزایش دهد و مدعی شد تعمیق همکاری‌های نظامی-فنی بین روسیه و ایران، نه تنها برای اوکراین، بلکه برای کل اروپا، خاورمیانه و جهان تهدیدات امنیتی جدی ایجاد می‌کند.

اشاره

وقتی سلبریتی‌ها، ورزشکاران و بازیگران به مراجع اخلاقی اضافه شدند

در قدیم علمای دین یا اخلاق مرجع ارزش‌گذاری بودند و مردم شیوه‌های اخلاقی را از آنان می‌گرفتند اما امروزه مراجع دیگری چون سلبریتی‌ها، ورزشکاران و هنرمندان به تولید ارزش‌های اخلاقی می‌پردازند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از مهر، «اخلاق خوب»، «اخلاق اجتماعی»، «اخلاق و معرفت» و سایر عباراتی که واژه «اخلاق» نقطه اشتراک آن‌هاست اگرچه دارای شباهت هستند اما در مفهوم و درون مایه معانی متفاوتی را در خود جای داده‌اند. توجه به اخلاق در انسان‌ها به صورت فردی و در اجتماع از جنبه اجتماعی همواره مورد توجه دانشمندان بوده است. اخلاق در ساحت‌های مختلف دارای معانی مختلفی است که کاربرد آن را نیز متفاوت می‌کند. صحبت از اخلاق در روانشناسی متفاوت از صحبت از اخلاق در علم فلسفه است، اخلاق در دین دارای ارزش‌های خاص خود است که در جامعه‌شناسی با وجود شباهت‌ها، تفاوت‌های بنیادین دارد.

این اتفاق در خصوص عبارت فرهنگ نیز صدق می‌کند. فرهنگ از منظر جامعه شناسان، فلاسفه، مردم شناسان، سیاستمداران و اندیشمندان علوم مختلف تعاریف گوناگونی را شامل می‌شود که این تشکیک در تعاریف موضع هر علم را نسبت به آن آشکار می‌کند. چه بسا قرارگیری واژه فرهنگ در کنار دیگر واژگان معنا و هویت تازه‌ای میابد و دارای تعابیر و تعاریف جدید می‌شود که حامل ارزش‌های خاص خودش است.

«فرهنگ» و «اخلاق» از دیرباز همواره دو مفهوم بهم پیوسته بوده‌اند که در تعاریفی آن را ظرف مظروف هم دانسته و در تعاریف دیگری آن را کامل کننده یکدیگر می‌دانند. اخلاق مجموعه رفتارها و کرده‌های انسانی است که در هر جامعه‌ای تفاوت دارد مساله دیگری که هر از گاهی در میان سخنان پژوهشگران و حتی مردم عادی در شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم قضاوت نسبت به وضعیت اخلاقی جامعه است. برخی از محققان و اندیشمندان بر این باورند که جامعه در مسیر زوال اخلاقی قرار گرفته است؛ گرچه برخی دیگر معتقدند روند کلی زندگی مدرن در تمام جوامع به این سمت رفته است و مشکلات اخلاقی را ناشی از سازمان و ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی قلمداد می‌کنند. همه این پژوهش‌ها قرار است به این سوال پاسخ دهند که وضعیت اخلاق در جامعه ایرانی با تمام مناقشاتی که درباره اخلاق، تعریف آن و مرزبندی‌های معرفت‌شناختی‌اش وجود دارد، چگونه است؟

به همین منظور برای پاسخ به این سوالات مهم که «آیا اخلاق با فرهنگ ارتباط دارد؟» و «چگونه می‌توانیم میزان اخلاق در ابعاد مختلف را در جامعه بسنجیم؟» با «احمد شاکرنژاد» رئیس پژوهشکده اخلاق و معنویت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت‌وگو نشستیم که در ادامه حاصل آن را می‌خوانید:

سنجه‌های اخلاقی در علوم مختلف متفاوت است

احمد شاکرنژاد گفت: فرهنگ و اخلاق اگرچه با یکدیگر ارتباط دارند اما پرداختن به چگونگی و نوع این ارتباط مهم است. فرهنگ به عنوان بستر می‌تواند شرایطی را فراهم کند که اخلاق و ضد اخلاق را توسعه دهد یا از توسعه آن جلوگیری کند. فرهنگ به انسان‌ها و درکی که از خود دارند شکل می‌دهد و به عنوان عامل اخلاقی در جامعه افراد را به فعالیت‌هایی اخلاقی یا برعکس آن به فعالیت‌هایی که جنبه غیر اخلاقی دارد سوق دهد. فرهنگ ارزش‌های ما را می‌سازد و به آن جهت می‌دهد، ما بدون فرهنگ در حقیقت مجموعه ارزش‌های خام داریم که فرهنگ به آنها رنگ و بوی مکانی و معنی و می‌دهد.

در قدیم رهبران دینی یا علمای دین یا علمای اخلاق مرجع این ارزش‌گذاری بودند و مردم شیوه‌های اخلاقی را از آنان می‌گرفتند اما امروزه مراجع دیگری چون سلبریتی‌ها، ورزشکاران، هنرمندان و غیره به تولید و یا بازتولید ارزش‌های اخلاقی می‌پردازند.

وی با اشاره به این نکته که فرهنگ ظرفی برای اخلاق است ادامه داد: فرهنگ بستر اخلاق را فراهم می‌آورد اما اینکه بگوییم اخلاق و فرهنگ ظرف و مظروف یکدیگر هستند مبحثی است که باید روی آن بحث شود. اگر بتوانیم هنجارهایی کلی برای اخلاق فرض بگیریم می‌توان گفت اخلاق ظرف فرهنگ است و می‌تواند بسترساز تعامل فرهنگی مردم هم بشود.

شاکرنژاد در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان میزان اخلاق را در جامعه سنجید تصریح کرد: سنجه‌های مختلفی در بحث روانشناسی اخلاق داریم که پژوهشکده ما در حال کار بر روی آن است. برای اینکه بفهمیم در مدرسه‌های دانش آموزان چه میزان اخلاقی هستند نیازمند سنجه‌های روانشناختی هستیم یا برای بررسی ابعاد مختلف این موضوع که در اداره پایبندی کارمندان به اخلاق چقدر و چگونه است نیازمند سنجه دیگری هستیم. این سنجه‌ها در ابعاد مختلف جامعه شناسی، روانشناسی، انسان شناسی و غیره قابل بررسی است که ما بیشتر به بعد روانشناسی آن در پژوهشکده اخلاق و معنویت تمرکز داریم. می‌توان این سنجه را در بعد جامعه شناسی بررسی کرد و یا به کتاب‌هایی که سنجه‌های اخلاق را در ترازوی دینداری بررسی کرده است توجه عمیق شود. مسئله تقوا در علم روانشناسی به خودکنترلی تعبیر می‌شود برای سنجیدن خودکنترلی در موضوعی همچون استفاده از شبکه‌های اجتماعی باید از سنجه روانشناسی استفاده کنیم. در زمینه دینی باید دید چگونه فضیلت و تقوا در استفاده درست از شبکه‌های اجتماعی نقش ایفا می‌کند. آنچه امروز ما و پژوهشکده به آن توجه داریم این است که علم روانشناسی چه کمکی به سنجیدن اخلاق در جامعه می‌کند. اینکه با چه فعل‌هایی می‌توانیم بفهمیم در محیطی خاص اخلاق گسترش پیدا کرده است یا نه.

چگونگی سنجش اخلاق با شناسایی ۵۰۰ سنجه اخلاقی

رئیس پژوهشکده اخلاق و معنویت با اشاره به چگونگی انتخاب این سنجه‌ها بیان کرد: سنجه‌ها می‌بایست با رویکردهای مختلف و دقیق طراحی شوند. ما تا الان ۵۰۰ سنجه را شناسایی و با معیارهای داخل کشور تولید کردیم و کار تحقیقی روی آن شکل گرفته ارزیابی در حیطه یک کسب و کار برای اینکه افراد شاغل در این حوزه بتوانند میزان اخلاق را در خود و مجموعه خود بسنجند تا قبل از این به عنوان منشور اخلاقی یا کدهای اخلاقی در دیوار ادارات نصب بود اما در عمل کارکرد قابل قبولی نداشت و یا میز خدمتی که در بعضی ادارات شکل گرفت به چیزی فانتزی تبدیل شد.

شاکرنژاد با اشاره به اینکه سنجه‌های اخلاقی باید در بافت مشخص و متناسب با جایگاه افراد تعیین شود و سنجه‌ها به سمت تخصصی شدن رفته است به اعتبار سنجه‌ها در جوامع مختلف اشاره کرد و افزود: ما در فضای بین‌المللی ۲ هزار و ۵۰۰ سنجه داریم که نسبت به فرهنگ و مبانی نظری هر جامعه متفاوت است از این بین ما با توجه به هنجارها و ارزش‌های جامعه خودمان ۵۰۰ ارزش را انتخاب کردیم.

تشتت باعث می‌شود مردم از کارآمدی اخلاق ناامید باشند

رئیس پژوهشکده اخلاق و معنویت درباره استفاده از سنجه‌های اخلاقی گفت: از سنجه‌های اخلاق، افراد و سازمان‌ها برای ارزیابی اخلاقی استفاده می‌کنند و در مرحله بالاتر بعد از توصیف دقیق پروتکل‌های اخلاقی شکل می‌گیرد. اگر سنجه اخلاقی داشته باشیم افراد می‌توانند خود را و سازمان‌ها نیروهای خود را ارزیابی کنند و ببینند چه پروتکل‌هایی برای خارج شدن از شرایط فعلی و رسیدن به شرایط مطلوب قابل استفاده است.

شاکرنژاد در خصوص چگونگی ارزش‌گذاری‌های اخلاقی در جامعه و اینکه ارزش‌های اخلاقی توسط چه کسانی و یا چه شرایطی در جامعه تثبیت، بسط و یا حذف می‌شود تصریح کرد: همواره مراجع مختلف هنجارگذار در زمینه اخلاق وجود داشته است، در قدیم رهبران دینی یا علمای دین یا علمای اخلاق مرجع این ارزش‌گذاری بودند و مردم شیوه‌های اخلاقی را از آنان می‌گرفتند اما امروزه مراجع دیگری چون سلبریتی‌ها، بازیگران، ورزشکاران، هنرمندان و ... به تولید و یا بازتولید ارزش‌های اخلاقی می‌پردازند. به جز این حاکمیت نیز می‌تواند ارزش‌های اخلاقی را توسعه دهد و یا بنیانگذار باشد. مهم است که چون کشور ما اسلامی و حاکمیت مبتنی بر دین است هنجارها براساس متن دین موجه باشند، اینکه توجیهی برای این هنجارها داشته باشیم و مرجع صلاحیت داری در امر دین هنجارگذاری‌ها را انجام دهد، اما در وضعیت فعلی تنوع مراجع باعث تشتت اخلاقی شده است. در موضوعی مثل خودنمایی، بد یا خوب بودن آن و اینکه در کجا باید بگوییم این رفتار خودنمایی است و در کجا تواضع است و در کجا خود کم بینی نظرات گوناگونی وجود دارد در چنین موضوعاتی هم علمای دین، هم سلبریتی‌ها و هم روانشناسان و غیره نظر می‌دهند که نظرات متنوع است. همین امر لزوم ورود جدی به اخلاق را نشان می‌دهد. این تشتت باعث می‌شود مردم از کارآمدی اخلاق ناامید باشند و بگویند ما به سهم خود عمل می‌کنیم.

مکث

مصائب رشته یک‌درصدی

آمارها نشان می‌دهد که از حدود یک‌میلیون نفر داوطلب شرکت‌کننده کنکور امسال، قریب به ۵۰ درصد آنان یعنی ۵۰۰ هزار نفر در گروه تجربی شرکت کرده‌اند. جالب است که ۲۰ سال قبل که در قله جمعیتی کنکور قرار داشته‌ایم، نسبت داوطلبان گروه تجربی ۳۰ درصد از کل شرکت‌کنندگان بوده است. چه اتفاقی افتاده است که این نسبت به‌تدریج به‌هم‌خورده و نیمی از کنکوری‌ها در تجربی شرکت کرده‌اند؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از جوان، در روزهای انتخاب رشته داوطلبان کنکور سراسری، نکته قابل‌تأملی که به چشم می‌خورد، نسبت غیرمتعارف داوطلبان گروه آزمایشی علوم تجربی است. آمارها نشان می‌دهد که از حدود یک‌میلیون نفر داوطلب شرکت‌کننده کنکور امسال، قریب به ۵۰ درصد آنان یعنی ۵۰۰ هزار نفر در گروه تجربی شرکت کرده‌اند. جالب است که ۲۰ سال قبل که در قله جمعیتی کنکور قرار داشته‌ایم، نسبت داوطلبان گروه تجربی ۳۰ درصد از کل شرکت‌کنندگان بوده است. چه اتفاقی افتاده است که این نسبت به‌تدریج به‌هم‌خورده و نیمی از کنکوری‌ها در تجربی شرکت کرده‌اند؟ برای پاسخ به این سؤال باید به این نکته توجه کرد که معمولاً در این گروه آزمایشی هدف جدی داوطلبان، قبولی در رشته‌های برتری، چون پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی است. درواقع این نیم‌میلیون نفر عمدتاً برای قبولی در چند رشته خاص با ظرفیت بسیار محدود در حال رقابتند. ظرفیت این چند رشته خاص در کل کشور در جمیع شرایط (روزانه و شهریه‌پرداز) به ۱۰ هزار صندلی هم نمی‌رسد و در واقع شانس قبولی هر داوطلب در این رشته‌ها، کمتر از ۲ درصد و برای صندلی‌های روزانه کمتر از یک درصد است. درنظر بگیرید صدها هزار نفر دانش‌آموز مقطع متوسطه دوم که دوران سرنوشت‌سازی را می‌گذرانند، چندین سال از عمر خود را به خاطر آرزویی سپری کنند که شانس وقوع آن یک درصد باشد. آن ۹۹ درصدی که این شانس را پیدا نمی‌کنند یا باید به رشته‌های پیراپزشکی بسنده کنند یا آنکه در دور تسلسل باطل ماندن پشت کنکور گرفتار شوند. برخی صاحب‌نظران دلیل گرایش نامتعارف در سال‌های اخیر به پزشکی را مسائل اقتصادی و ناامیدی از کاریابی بسیاری از دانش‌آموختگان سایر رشته‌های دانشگاهی از جمله تعداد قابل توجهی از دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی در رشته‌هایی، چون فنی مهندسی و علوم انسانی می‌دانند. در واقع برای بسیاری از نوجوانان و خانواده‌های آنان این‌گونه مسلم شده که پزشکی تنها رشته تحصیلی است که بازار کاری مطمئن با حقوق و دستمزدی قابل‌اعتنا (در مقایسه با سایر رشته‌ها) دارد. در سال‌های اخیر حتی برخی دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد رشته‌های فنی مهندسی از دانشگاه‌های معتبر مجدداً کنکور داده و از اول در حال تحصیل در رشته‌های پزشکی هستند. شاید تمایل اخیر یکی از ورزشکاران مدال‌آور المپیکی به تحصیل بدون کنکور در پزشکی را هم در همین راستا بتوان تحلیل کرد.

مطالعه روندها نشان می‌دهد در سال‌های نیمه دوم دهه ۹۰ موج روی آوردن دانش‌آموزان به تجربی با هدف ادامه تحصیل در پزشکی شدت چشمگیری داشته و به نظر می‌رسد اجرای طرح موسوم به «تحول سلامت» در دولت یازدهم که به افزایش یکباره و چندبرابری تعرفه‌های این بخش انجامید در این گرایش به‌طورجدی مؤثر بوده است. شیوع بیماری کرونا در جهان و افزایش تقاضای جهانی برای مشاغل مرتبط با این حوزه نیز در این گرایش بی‌اثر نبوده است. بر اساس گزارش‌های نظام پزشکی، تمایل به مهاجرت در میان پزشکان در سال‌های اخیر افزایش داشته که آن‌هم به دلیل مسائل اقتصادی و فاصله دستمزدی ناشی از فاصله ارزش پول است.

بنابراین موج نامتعارف گرایش به پزشکی در میان نوجوانان، بخشی از آینده‌سازان جامعه ما را وارد رقابتی بی‌معنا با شانس موفقیت پایین می‌کند که طبیعتاً تأثیرات روانی مخربی روی نسل جوان خواهد گذاشت. از سویی با توجه به طولانی بودن مدت تحصیل در پزشکی (خصوصاً با احتساب دستیاری و فلوشیپ) و نیز دشواری‌های علمی خاص آن، صرفاً باید دانش‌آموزانی که علاقه و استقامت لازم را برای به پایان بردن این دوره دارند، آن را برگزینند و در صورت غفلت از این مسئله مهم شاهد ریزش‌های چشمگیر تحصیلی یا بروز پیامدهای روحی ناگوار خواهیم بود.

تلاش چندسال اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی برای افزایش ظرفیت‌های پزشکی در دانشگاه‌ها حتی اگر از موانع سرسخت تضاد منافع بتواند با موفقیت عبور کند نهایتاً می‌تواند شانس قبولی این شیفتگان پزشکی را از ۱ درصد به ۲ درصد برساند و در کلیت ماجرا اثر چندانی ندارد. با این وصف اگر برای اصلاح گرایش دانش‌آموزان در ابتدای متوسطه کاری صورت نپذیرد، مشکل همچنان ادامه خواهد داشت.

باید روی موضوع هدایت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه کار جدی صورت پذیرد و واقعیت‌های بازار کار برای آنان ترسیم شود. اگر دغدغه بسیاری از دانش‌آموزان یافتن شغلی مناسب در آینده و ادامه تحصیل در این راستا است، باید حوزه‌های مهارتی مانند هنرستان‌ها توسعه یابند و فرایند هدایت تحصیلی بیشتر دانش‌آموزان را به این سمت‌وسو سوق دهد. باید نظام آموزشی دشواری‌ها و پیچیدگی‌های تحصیل در پزشکی را نیز به دانش‌آموزان منتقل کند تا رؤیاپردازی در مورد این رشته، این موج نامتعارف را پدید نیاورد.

محمدجواد اخوان